

حوادث کوتاه

شهادت یک پاسدار مدافع امنیت در درگیری با پژاک

یکی از نیروهای سپاه کردستان در درگیری با عوامل گروهک‌های ضدانقلاب در مریوان به شهادت رسید. شامگاه جمعه ۲۶ خرداد در درگیری نیروهای سپاه مریوان با عوامل گروهک‌های ضدانقلاب در منطقه مرزی این شهرستان یکی از نیروهای مدافع امنیت سپاه به شهادت رسید. در این درگیری که ساعت ۲۲ جمعه‌شب اتفاق افتاد، «زرگار تبریز» از نیروهای بومی سپاه مریوان به درجه رفیع شهادت نائل آمد. این درگیری در روستاهای دره تفتی و کانی ساتان مریوان میان نیروهای سپاه پاسداران و گروهک معاند پژاک اتفاق افتاد.

مرگ فوتبالیست بوشهری در بازی دوستانه



بازیکن رده سنی امید شاهین تابان در یک بازی دو روزه روز جمعه گذشته دچار حمله قلبی شد و فوت کرد. ابوالفضل رفیعی بازیکن شاهین تابان بوشهر در رده‌های سنی پایه در یک بازی دو روزه روز جمعه دچار حمله قلبی و به بیمارستان انتقال داده شد. با این حال متأسفانه تلاش پزشکان مؤثر واقع نشد و این بازیکن جوان و خوش آتیه که می‌توانست به یکی از ستاره‌های فوتبال بوشهر تبدیل شود، در فانی را وداع گفت. رفیعی در فصل جدید رقابت‌های لیگ برتر امیدهای کشور با پیراهن شاهین تابان به میدان رفت و از بازیکنان با اخلاق این تیم محسوب می‌شد که سابقه پوشیدن پیراهن ایران جوان را نیز در کارنامه دارد.

مادر به حرمت قرآن، قاتل پسرش را بخشید

معجزه پای چوبه‌دار

معصومه مرادیپور در آهنگی سالن اجرای حکم باز شد؛ متهم درحالی که پایبند داشت و دست‌ان بسته بود وارد شد. رنگ بر رخ نداشت و قرار بود لحظاتی دیگر طناب دار بر او بکشند. متهم به حدی از دیدن طناب حلقه زده شده، شوک شده بود که حتی قادر نبود طلب بخشش کند. زبانش از کار افتاده بود و مات و مبهوت به زمین نگاه می‌کرد. معلوم بود خودش زودتر از بقیه به استقبال مرگ رفته... مادر و خواهر مقتول وارد صحنه شدند. ناز خانم مادر سالخورده ۲ دختر و ۵ پسر است تا چشمش به متهم و طناب چوبه دار افتاد از هوش رفت و لحظاتی بعد وقتی به هوش آمد، رئیس اجرای حکم از او خواست خودش طناب مرگ قاتل پسرش را دور گردنش ببندد که این بار با یک جمله، سرنوشت پسر جوان تغییر کرد. مادر پیر گفت که او را به حرمت قرآن می‌بخشم...

بازداشت قاتل فراری در مرز

نخستین تحقیقات جنایی نشان می‌داد که مقتول در جریان درگیری با فریدی به نام فرید در محدوده مهدی‌آباد کرج مورد ضرب و شتم و اصابت چاقو قرار گرفته است که بعد از این ماجرا بلافاصله فرید از صحنه جنایت گریخته است. مأموران پس از تحقیقات میدانی و با تکمیل اطلاعات خبلی رود با دستور بازپرس متهم را تحت تعقیب قضایی قرار دادند. این متهم بعد از یک سال که قصد خروج از کشور را داشت در مرز شناسایی و دستگیر شد.

اعتراف به قتل

متهم در بازجویی‌ها بلافاصله به

در دادگاه چه گذشت؟

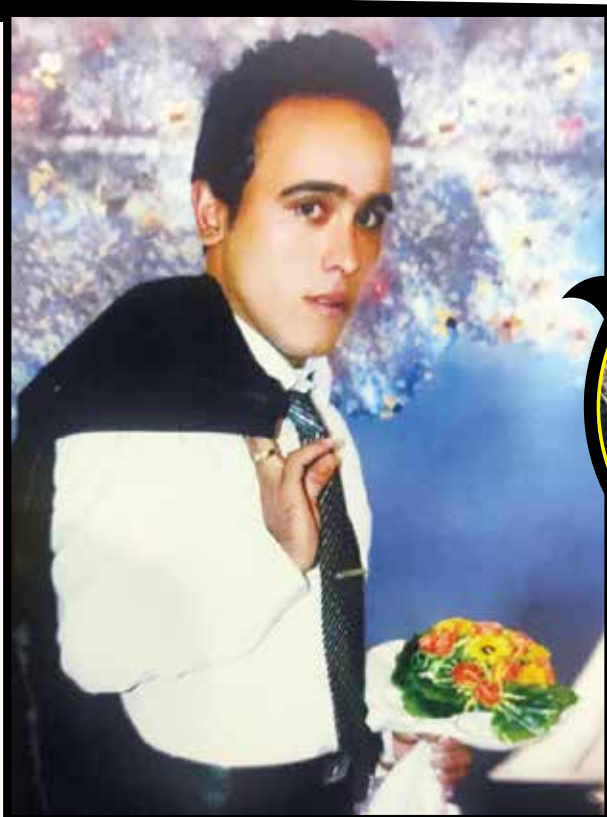
متهم از ندامتگاه کرج به شعبه یکم دادگستری البرز منتقل شد و در شروع جلسه رسیدگی به این پرونده، مادر قربانی جنایت پشت میز محاکمه ایستاد و در حالی که سپاه‌پوش پسرش بود از قضات دادگاه خواست قاتل فرزندش به قصاص محکوم شود. سپس متهم پای محاکمه ایستاد و به دفاع از خودش پرداخت و عنوان کرد که قصد کشتن نداشتم و فکرش را هم نمی‌کردم بخاطر یک درگیری بچگانه دستم به خون پسر جوان آغشته شود. پس از دفاعیات متهم، قضات وارد شور شده و باتوجه به درخواست قصاص اولیای دم و قتل عمد، متهم را به قصاص نفس محکوم کردند.

بخشش پای چوبه‌دار

۱۲سال از مرگ مرد جوان گذشته بود و خانواده قاتل، تلاش‌های زیادی برای نجات فرید از قصاص انجام دادند. روزهای زیادی تا اجرای حکم باقی نمانده بود و خانواده قاتل باید آخرین تلاش خود را برای جلب رضایت اولیای دم می‌کردند. شامگاه یکشنبه گذشته، قبل از اجرای حکم، خانواده متهم برای گرفتن رضایت به خانه مادر مرحوم مراجعه کردند اما مادر مقتول رضی به رضایت نبود تا اینکه با یک کتاب قرآن وارد خانه شدند. مادر مقتول به حرمت قرآن آنها را به خانه‌اش راه داد آن هم بعد از ۱۲سال و گفت من این قرآن را از شما می‌گیرم و فردا در زندان درباره رضایت تصمیم خواهم گرفت. ماجرای درگیری از زبان خواهر مقتول

ماجرای درگیری از زبان خواهر مقتول

برادر بزرگ‌ترم به جشن عروسی رفته بود که قبل از پایان مراسم با متهم بر سر یک مشت حرف پوچ باهم اختلاف پیدا می‌کنند. متهم تالار خارج شده و به محل می‌آید که اتفاقی با برادر کوچک‌تر من روبه‌رو



می‌شود و با لحنی تند به مرحوم می‌گوید که تصمیم شومی درباره برادری بزرگ‌ترم دارد که در مقابل برادر کوچک‌ترم برای دفاع از برادرم یا او درگیری می‌شود و متهم با چاقویی که در جیب کتش داشت باعث مرگ برادرم می‌شود. این خواهر دلسوخته درباره رضایت مادرش به خبرنگار «ایران» گفت: از چند ماه پیش مادرم با دیدن سریال‌های تلویزیون که در آن خانواده مقتول از خون عزیزانش گذشت می‌کردند دلش نرم‌تر شده بود و این تأثیر زیادی در رضایت او داشت. محسن اکبرپور مددکار سازمان زندان‌های استان البرز نیز در

گفت‌وگو با خبرنگار «ایران» گفت: متهم در ۵ سال اخیر در جریان شرکت در کلاس‌های قرآن و آموزش مسائل فرهنگی تغییرات زیادی کرده بود که حاکی از متنبه شدن او بود. بر همین اساس او نیز در ردیف زندانیانی قرار گرفت که سعی کردیم برای رهایی او از قصاص پیشقدم شویم. خانواده مقتول نیز با صبر و بردباری متأثر از روحیه مذهبی، متهم را در لحظات آخریای چوبه دار بخشیدند. وی درباره شرط اولیای دم در مقابل رضایتی که مطرح شد، گفت: مادر مقتول بدون هیچ چشمداشت و هیچ شرطی از حق قصاص خود گذشت کرده است که این رضایت بسیار بزرگمنشانه و قابل تقدیر است.

گروگانگیری زورگیران از ترس پلیس

طرف مردی در یک خودرو حمله‌ور شده و با تهدید سلاح سرد از وی اقدام به زورگیری کرده که مأموران بسرعت برای دستگیری زورگیران وارد عمل شده و محل هر دو متهم با استفاده از سلاح سرد به مأموران حمله‌ور شدند. این مقام انتظامی به اقدامات پیش‌دستانه پلیس و آمادگی هر چه تمام‌تر مأموران کلانتری اشاره کرد و گفت: مأموران با استفاده از قانون به‌کارگیری سلاح و شلیک تیر هوایی یکی از متهمان را دستگیر کردند ولی متهم دیگر که راه فراری نداشت اقدام به حمله به سمت شهروندان و گروگانگیری کرد که با اقدام بموقع و استفاده از قانون به‌کارگیری سلاح موفق به این کار نشد و در محل دستگیر شد و تلفن همراه سرقتی نیز در محل به صاحبش بازگردانده شد.

دو زورگیر خشن برای فرار از دست پلیس اقدام به گروگانگیری کردند که مأموران پلیس تهران موفق به زمینگیر کردن دو سارق خشن شدند. سرکلانتر یکم پلیس پیشگیری تهران از دستگیری دو مرد جوان که از شهروندان با تهدید سلاح سرد زورگیری می‌کردند خبر داد و گفت: متهمان برای فرار قصد گروگانگیری شهروندان را داشتند که با اقدام بموقع مأموران دستگیر شدند. سرهنگ محمد باقر قدم‌زاده در تشریح این خبر بیان داشت: باامداد ۲۷ خرداد، مأموران عملیات کلانتری ۱۳۳ نیاوران در حال گشتزنی در محدوده خیابان باهنر تهران به یک موتورسیکلت آپاچی دو ترک که افراد گذری از خیابان را زاع زنی می‌کردند، مشکوک شده و آنها را تحت مراقبت‌های ویژه پلیسی قرار دادند. وی گفت: متهمان در همین حین به

مرگ تلخ اعضای یک خانواده در تصادف بنز با آردی

یک زن ۳۵ساله و دو مرد ۴۵ و ۳۵ساله به همراه پسر ۱۶ساله جان خود را از دست دادند. مصور مرند - جلفا به طول ۶۷ کیلومتر به دلیل دوطرفه بودن یکی از جاده‌های خطر خیز و حادثه آفرین در آذربایجان شرقی است و ضرورت دو بانده کردن این مسیر برای افزایش ایمنی و کاهش حوادث اجتناب ناپذیر است. در جریان سفر دوم رئیس جمهور به آذربایجان شرقی ۶ کیلومتر از این مسیر دو بانده شد و در چند ماه گذشته هیچ فوتی نداشت.

تصادف هولناک آردی با بنز در جاده جلفا صحنه‌ای مرگبار را رقم زد. وحید شادنی نیا سخنگوی اورژانس آذربایجان شرقی گفت: در این سانحه رانندگی که ساعت ۵:۲۰ صبح دیرروز در این محور اتفاق افتاد دو خودروی آردی و بنز در نزدیکی سواره قه‌رتیه با هم برخورد کردند. وی اضافه کرد: چهار نفر از سرنشینان خودروی مصدوم این حادثه از سوی اورژانس به بیمارستان انتقال یافت. در این تصادف



همدستم می خواست من را کباب کند و بخورد

این ترتیب بعد از اینکه راننده به منزلش رفت آدرس خانه او واقع در خیابان بهار تهرانپارس را پیدا کردیم. شب بعد هم نقشه ریودن خودرو او را در حالی که داشت خودرو را وارد پارکینگ خانه‌اش می‌کرد با تهدید اسلحه عملی کردیم.

در حالی که تحقیقات در این پرونده ادامه داشت تا سرقت‌های مشابه احتمالی فاش شود، یکی از اعضای باند سرقت گفت: «یکی از همدستان من قصد به قتل رساندن من را داشت. بعد از اینکه خودرو را سرقت کردیم، سردسته باند و رفیقش به من و یکی دیگر از اعضای باند گفتند که فرادی آن شب سر قرار مشخصی برویم تا سهم ما را از سرقت پرداخت کنند اما آنها سر قرار نیامدند. وقتی پیگیر آنها شدیم در منطقه کوهستانی لویزان یا ما قرار گذاشتند. گفتند ساعتی آنجا با هم خوش می‌گذرانیم و بعد سهم ما را می‌دهند. می‌گفتند گوسفندی کشته‌اند و می‌خواهند با گوشت آن کباب بخوریم و دلی از عزا در بیاوریم. من و رفیق هم قبول کردیم. در جای خلوتی با آنها قرار گذاشتیم و برایمان کباب درست کردند. بعد از خوردن کباب، نوشیدنی ای برایمان درست کردند که رفیق بعد از خوردن آن حالش بد و بی‌هوش شد. حال من هم بد بود که بعداً متوجه شدم در نوشیدنی مخدر شیشه ریخته بودند. سردسته باند با خودرو از محل دور شد و نمی‌دانم کجا رفت. وقتی با رفیق او تنها شدم در همان حال بد جسمی؛ باهام را بست و وارونه من را مثل گوسفند از درخت آویزان کرد. می‌گفت می‌خواهد دست و پایم را قطع کند و مثل گوشت گوسفندی که کباب کرده‌ام بخورد. در همان لحظه سردسته باند از راه رسید و مانع رفیقش شد. اگر یک دقیقه دیرتر از راه می‌رسید شاید الان در شکم همدستش بودم!»

این پرونده در حالی که جریان رسیدگی قرار دارد که احتمال می‌رود سارقان با شیوه مشابه سرقت‌های دیگری هم انجام داده باشند.



بازبینی دوربین‌ها

در اولین قدم از رسیدگی به این موضوع دستور بازبینی دوربین‌های مدار بسته صادر شد که مشخص شد باند ۴ نفره سرقت بعد از رودن خودروی این مرد از محل متواری شده‌اند. تحقیقات ادامه پیدا کرد و با توجه به اینکه احتمال می‌رفت این افراد از قبل زاغ سپاه راننده را چوب زده و در موقعیتی مناسب او را غافلگیر کرده باشند؛ رفت و آمدهای اخیر راننده تحت بررسی قرار گرفت و در عین حال ردیابی متهمان با توجه به تصاویر به دست آمده از آنها آغاز شد.

شام در رستوران

شاکای پرونده در جریان تحقیقات اذعان داشت که در آخرین شب‌های قبل از سرقت، تنها جایی که رفته بود رستورانی در جارجود بود که شب قبل از حادثه شام را در آنجا صرف کرده و ساعتی را در باغ رستوران گذرانده بود. راننده همچنین گفت که موقع صرف شام ریموت خودرو را به کارگر باغ رستوران داده بود تا او در صورت نیاز خودرو را جابه‌جا کند. بررسی دوربین مدار بسته نزدیک باغ رستوران نشان می‌داد که کارگر این رستوران با خودروی اپتیمای دقایقی

کارگر باغ رستوران جارجود شگرد عیبی برای سرقت خودرو لاچمری کشید. یکی از اعضای باند سرقت مسلحانه بعد از دستگیری گفت که همدستش برای پرداخت نکردن سهم او می‌خواست که او را کباب کرده و بخورد. سرقت مسلحانه چند مرد غریبه جلوی پارکینگ خانه مان روی من اسلحه کشیدند. همه چیز در چشم برهم زدن رخ داد. شب بود و هوا هم تاریک بود. سارقان از خلوتی کوچکی استفاده کردند و من چاره‌ای نداشتم جز اینکه برای نجات جانم خودروی اپتیمای خود را در اختیار آنها قرار دهم. اما ریموت خودرو دست خودم جا ماند و خودرو من بدون ریموت به هیچ وجه روشن نمی‌شود. این اولین اظهارات مرد جوانی بود که بعد از رساندن خود به کلانتری تهرانپارس در طرح شکایت خود عنوان کرد. او سراسیمه می‌نمود و بشدت ترسیده بود. بعد از اینکه شکایت خود را از سارقان مسلح به ثبت رساند رسیدگی به موضوع در دستور کار دادسرای ناحیه ۳۴ ویژه سرقت قرار گرفت.